

آموزش تحلیل سیاسی / دشمن در کمین است

حقیقتاً بایستی تشکر کرد از ملت بزرگ ایران. شما میدانید که علیه شرکت مردم در انتخابات چه حجمی کار شد؛ در فضای مجازی، در دستگاه‌های گوناگون، از هر عاملی که توانستند استفاده کردند. از یک ماه پیش، از دو ماه پیش: «اینکه انتخابات نیست، اینکه انتخاب واقعی نیست، اینکه شورای نگهبان چنین کرده» و از این قبیل حرفها. هر چه نزدیک تر شدیم، این حجم بیشتر شد؛ حالا آخری هم این بیماری [جدید] که این شد یک بهانه‌ی خوبی. خبر بروز این ویروس و این بیماری در قم مثلاً داده شد، [دشمن] از سحر پنج‌شنبه شروع کرد تبلیغات کردن که «مردم نبادا بروید در صف انتخابات بایستید!» یعنی از کم‌ترین فرصتی استفاده کردند و نگذاشتند حتی چند ساعت هدر برود؛ بلافاصله شروع کردند به گفتن و دائم تأکید کردند.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۸۴ / شنبه ۵ اسفند ماه ۱۳۹۸

«افت نسبی» مشارکت را درست روایت کنیم

فارس: ۱- قطعاً و بی شک افت مشارکت به عملکرد نابسامان اقتصادی دولت روحانی و به ویژه سوء مدیریت و بی تدبیری شخص رئیس جمهور در نحوه اجراء قیمت بنزین ارتباط مستقیم دارد. اولین روایت معتبر در خوانش علل افت مشارکت به وضعیت اقتصادی مردم، گرانی‌ها، گرانی بنزین و کاهش سرمایه اجتماعی دولت روحانی باز می‌گردد. آقای روحانی حتماً از پایگاه اجتماعی خود اطلاع دقیق دارد و متأسفیم که رئیس جمهور کشور در چنین وضعیتی از نامحبوبی قرار دارد. معنا کردن انتخابات و ارائه روایت درست از آن از خود انتخابات مهم تر است. اصلی ترین روایت معقول و منطقی افت مشارکت بدلیل «عملکرد ضعیف اقتصادی دولت» است. هر ادعای دیگر دولتی‌ها شانتاژ رسانه ای است و مطلقاً اعتبار ندارد. ۲- درباره میزان مشارکت باید نتایج را با دنیا مقایسه کرد. عدد مشارکت دوم اسفند در مقایسه با دنیا و کشورهای مدعی دموکراسی عدد خوبی محسوب و پنداشته می‌شود. در دنیا عدد ۳۰ تا ۴۰٪ مشارکت مطلوب و استاندارد محسوب می‌شود. البته عدد ۴۲٪ در مقایسه با نرم‌ها و استانداردهای کشور ما افت نگران کننده ای دارد ولی در مقایسه با دنیا یک عدد طبیعی تلقی می‌شود. مطالعه انتخابات در فرانسه، آمریکا، انگلیس و اکثر کشورهای به اصطلاح مهد دموکراسی این ادعا را ثابت می‌کند. ۳- در برخی حوزه‌ها افت نسبی مشارکت دلائل خاص منطقه ای داشته است. در رشت و استان گیلان بی تدبیری و سوء مدیریت یک هفته ای دولت در بارش برف سنگین اخیر مردم را عصبانی کرد. در قم و برخی شهرها شایعه کرونا مردم را خانه نشین کرد. در البرز و خوزستان ماجرای بنزین و اغتشاشات آبان تأثیر شدید منفی گذاشته بود. این زخم‌ها قابل ترمیم است و البته باید برای آن‌ها تدبیر فوری نمود ان شاءالله.

۴- طبق نظر سنجی‌های دقیق امسال، ماجرای بنزین، مشارکت را حدود ۱۵٪ کاهش داده بود. این زخم، ترمیم نشد و از مردم عذر خواهی نشد. قصه بنزین به تنهایی نقش مستقیم در این افت دارد. نظام امت و امامت همواره به حضور مردم بالیده است این بار نیز بخشی از مردم و ولی نعمتان انقلاب با حضور گرم خود و بخشی از مردم نیز با ابراز ناراحتی خود در قالب تردید در رأی، تکالیف مسئولین را به آن‌ها یادآوری کرده اند. عقلای نظام باید برای خروج دولت مستقر فعلی از بی عملی، بد عملی، بی حالی و بی تدبیری چاره فوری بیاندیشند. القاء بریدن مردم از نظام اسلامی، خبط استراتژیک و خطای راهبردی است. تصاویر بزرگترین بدرقه جهان در تشییع حاج قاسم سلیمانی، از ذهن و قلب مردم و تحلیل‌های استراتژیست‌های جهان پاک نخواهد شد.

رأی به تحول در مدیریت و ایستادگی در برابر دشمن

جوان: انتخابات دوم اسفند از حساس‌ترین، مهم‌ترین، پیچیده‌ترین و پرمناخ‌ترین انتخابات در تاریخ ۴۱ ساله انقلاب به شمار می‌رود. به اذعان همه سیاسیون به ویژه سران اردوگاه اصلاحات اعم از اصلاح‌طلبان، اعتدالیون، کارگزاران و... مردم در این انتخابات (و بلکه از بعد از انتخابات سال ۹۶ و به‌ویژه از زمان خروج امریکا از برجام خسارت محض و فقدان تحرک مناسب و در شأن ملت انقلابی ایران از سوی دولتمردان حاکم) منتظر طرح و تحول نو در اوضاع نابسامان کشور در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، معیشتی، فرهنگی و اجتماعی از سوی جریان انقلابی بودند و انتخابات مجلس بهترین فرصت برای اعتماد به جریان انقلابی و تحول خواه محسوب می‌شد. انتخابات مجلس یازدهم بیش از آنکه یک انتخابات معمولی باشد یک رفراندوم بزرگ چندوجهی و منطبق با سیاست‌های بیانیه گام دوم انقلاب در اعتراض به «وادادگی در برابر دشمن»، «بی‌برنامگی و سوءمدیریت»، «اوضاع نامطلوب اقتصادی کشور»، «اوضاع بد معیشتی مردم و خانواده‌ها»، «الگوهای غلط مدیریتی موجود در کشور»، «بی‌تفاوتی نسبت به مشکلات مردم»، «شکل‌گیری نظام طبقاتی»، «اشرافیت دولتی»، «رانت‌خواری»، «ناکارآمدی نظام اقتصادی اعم از بانکی، مالیاتی، گمرکی و...»، «رشد مفاسد اقتصادی»، «تورم، بیکاری و رشد فقر عمومی» و... محسوب می‌شود. در این رفراندوم بزرگ (که به عنوان مکمل وداع بی‌نظیر مردم با سردار سلیمانی قابل‌ارزیابی است)، مردم در دو قالب عمده متشکل از «شرکت‌کنندگان در انتخابات» و «کسانی که در انتخابات شرکت نکردند» خواسته‌های مشترکی را در چارچوب نظام‌های قانونی از نظام و مسئولان مطالبه نمودند که پیش از این در حوادث آبان ماه در کف خیابان مطالبه کرده و به دلیل سوءاستفاده و بهره‌برداری دشمن از آن، قبل از منحرف شدن و تبدیل کشور به میدان تاخت و تاز جنگ‌هنگ‌کنگی، با بصیرت مردم در نطفه خفه شده و اینک در عرصه انتخابات بر آورده شدن مطالبات خود از مسیرهای قانونی اصرار ورزیدند. یک سوی این رفراندوم بزرگ بخشی از مردم معترض به وضع نابسامان و غیرقابل قبول و توجیه‌ناپذیر موجود بودند که تحت تأثیر عوامل پیش‌گفته قرار نگرفته و با مسئولیت‌پذیری قابل ستایش و تقدیر، متعهدانه به صحنه انتخابات وارد شده و فارغ از نگاه‌های حزبی و جناحی با اعتماد و رأی قاطع و کم‌نظیر و بلکه بی‌نظیر خود به جریان انقلابی، تغییر بنیادین: «الگوهای غلط لیبرالیستی»، «بی‌برنامگی»، «مرعوب دشمن شدن»، «پنهان‌کاری»، «غیرپاسخگو بودن مسئولان»، «غریب‌گرایی و اشرافی‌گری» و... را به الگوهای مدیریتی مؤمن، انقلابی، جهادی، سخت‌کوش، شجاع، خوش‌نام، صمیمی با مردم، صادق، عدالت‌جو، مؤمن به ظرفیت‌های داخلی، دشمن‌شناس و سرسخت با دشمن، پاک‌دست، چشم و دل سیر، غیور، مؤمن به سبک زندگی و فرهنگ ایرانی، کارآمد، کاربلد و ملتزم به اقتصاد مقاومتی را مطالبه کردند؛ و در طرف دیگر مردمی قرار داشته و دارند که به شدت به شهید سلیمانی به‌عنوان الگوی ممتاز فرهنگ اصیل انقلابی و جهادی معتقد و به حل مشکلات توسط نیروهای انقلابی و جهادی باور قلبی داشته، اما تحت تأثیر فضای سنگین تبلیغات به شدت مسموم روانی دشمن از یک‌سو و ناکارآمدی و سوءمدیریت مشهود (مثل مدیریت بنزین)، مشکلات معیشتی، وعده‌های بدون پشتوانه و صرفاً انتخاباتی روحانی و... از دیگر سو عنان اختیار، بصیرت و صبوری از کف داده و مایوسانه با سکوت و عدم شرکت خود به روند موجود اعتراض کرده‌اند و تردیدی نیست که وقتی آثار مثبت انتخاب انقلابی شرکت‌کنندگان را مشاهده کنند حتماً در جشن پیروزی با آنان مشارکت خواهند کرد. در یک جمع بندی مختصر می‌توان گفت تمام مردم ایران که به امنیت و منافع ملی و استقلال و تمامیت ارضی کشور عشق می‌ورزند برنده اصلی و قطعی این انتخابات بوده و هستند که طی ۴۱ سال گذشته با صبوری

و متانت انقلابی در تمامی صحنه‌ها حاضر و از انقلاب و کشور دفاع کرده و همواره به مسئولان منتخب خود از هر جناح و سلیقه اعتماد کرده و هزینه این اعتماد را نیز پرداخته‌اند و در واقع این منتخبان بوده‌اند که با بی‌مهری و کم‌توجهی به مطالبات مردم و اتخاذ روش‌ها و مسیرهای غلط موجب تکدر خاطر مردم به‌عنوان صاحبان اصلی کشور و انقلاب و رشد بی‌اعتمادی و ناامیدی شده و زمینه سوءاستفاده دشمن را فراهم نموده‌اند.

از این جهت مجلس یازدهم، مسئولیت و رسالتی بس سنگین و پر مخاطره داشته و نمایندگان مجلس یازدهم مکلفند با اغتنام فرصت و پرهیز از هرگونه فرصت‌سوزی و ورود در میادین و دوقطبی‌های اعتماد سوز با سرعت و دقت و تدوین قوانین انقلابی نسبت به رفع فوری موانع رشد اقتصادی و رونق تولید منطبق با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی اقدام نموده و روحیه نشاط و امید را در جامعه تقویت نمایند و تردیدی نیست که اقدام جهادی و انقلابی مجلس موجب قطع قطع دشمنان کینه توز خواهد شد.

چرا باید از جنگ با ایران گریخت؟ نشریه آمریکایی توضیح می‌دهد

نشنال اینترست: تحلیلگر نظامی نشریه نشنال اینترست تاکید کرد براساس نتایج شبیه‌سازی جنگ با ایران، آمریکا هرگز و تحت هیچ شرایطی نباید وارد درگیری نظامی با ایران شود. دیوید اکس نوشت: با توجه به تنش‌های چند وقت اخیر در خاورمیانه شاید ارزشش را داشته باشد که به بازی شبیه‌سازی شده‌ای که پنتاگون در سال ۲۰۰۲ از جنگ با ایران ساخته بود نگاهی دوباره بیندازیم. در آن شبیه‌سازی یک ژنرال دریایی مامور شد که در نقش رهبر نیروهای ایرانی ظاهر شود و علیه ارتش آمریکا بجنگد. در جریان آن بازی نیروهای درهم و برهم ژنرال پل ون رایپر و تسلیحات هوایی و زمینی او براساس داشته‌های نظامی ایران شبیه‌سازی شده بود. نام آن نبرد چالش هزاره ۲۰۰۲ گذاشته شده بود.

ژنرال رایپر با استفاده از قایق‌های تندرو (مانند آنچه نیروی دریایی سپاه دارد) موشک‌های کروز و هواپیماهای قاتلی که در ارتفاع کم پرواز می‌کردند تنها ظرف ۱۰ دقیقه موفق می‌شود ناوگان دریایی آمریکا را که از نقطه بدون بازگشت عبور کرده و به سمت ایران در حرکت بودند منهدم کند و فاتح این جنگ شود.

اما این شکست برای آمریکایی‌ها به قدری گران آمد که حتی برای فرار از شکست دست به تغییر قواعد برنامه شبیه‌سازی شده زدند تا جایی که ژنرال ون رایپر فردی که در برنامه شبیه‌سازی نقش نیروهای ایرانی را بازی می‌کرد، در اعتراض به این اقدام از سمت خود استعفا داد.

اما در یک نبرد واقعی کسی نمی‌تواند به منظور حفظ برتری آمریکا قواعد بازی را تغییر دهد. اگر ایران واقعا بخواهد تاکتیک‌های موثر و مهلک سرلشکر ون رایپر را پیاده کند، حتی ممکن است خسارات به مراتب بیشتر از خساراتی که نیروهای رایپر در این جنگ شبیه‌سازی وارد کردند، به نیروهای آمریکایی وارد کنند. در آن نبرد شبیه‌سازی شده ژنرال سه ستاره «ون رایپر» که قوای شبیه‌سازی شده ایران را فرماندهی می‌کرد و از «دکترین بوش» که یکی از مهم‌ترین اجزای آن حمله پیش‌دستانه است به خوبی آگاه بود، به سختی و با شدت تمام حمله کرد. واحدهای موشک‌های زمین به زمین و هواپیماهایی که در ارتفاع پایین پرواز می‌کردند و همچنین قایق‌های تندرو که پر از مواد منفجره بودند با استفاده از تاکتیک‌های انتحاری، ناوگان نیروی دریایی آمریکا را منهدم کردند.

پایان سردرگمی

آفتاب یزد: واقعیت این است که رد صلاحیت اصلاح طلبان موضوع تازه‌ای نیست اما هربار اصلاح طلبان به طور زیگزاگی با این موضوع برخورد می‌کنند. مجلس هفتم اصلاح طلبان گفتند رد صلاحیت‌ها زیاد است، مشارکت فعال نداریم، مجلس هشتم اگرچه روند تایید صلاحیت‌ها فرقی نکرد اصلاح طلبان فعال شدند، انتخابات مجلس نهم را سوت و کور پیش بردند، برای دور دهم با سروصدا و «لیست امید» آمدند. حالا نوبت به یازدهمین دوره رسیده و این بار از اساس سردرگمی را می‌توان دید، یکی گفت لیست نمی‌دهیم، دیگری گفت لیست می‌دهیم و به بقیه هم صفت عافیت‌طلبی داد! یکی گفت ۹۰ درصد کاندیداهای اصلاح طلبان رد صلاحیت شده و دیگری گفت حیف است وقتی ۷۰۰۰ نفر کاندیدا وجود دارد لیست ندهیم. مثلاً عبدالله ناصری با اشاره به اینکه اصلاح طلبان در این دوره از انتخابات مجلس نباید فهرست مشترک بدهند، مدعی شد که مجموعه‌ای از نمایندگان «منفعل و یا نسبتاً خنثی» وارد مجلس یازدهم می‌شوند. غلامحسین کرباسچی از طرفی دیگر گفت: «ما نمی‌توانیم مردم را دعوت به حضور در انتخابات کنیم ولی علی‌رغم تایید صلاحیت حدود ۷۰۰۰ نفر از واجدین شرایط به دلایل مختلف در عرصه انتخابات حضور نداشته باشیم.»

این انتخابات نشان می‌دهد اصلاح طلبان با چالش‌های مبنایی و روشی مواجه شده‌اند. در همین زمینه صادق زیباکلام با بیان اینکه اصلاح طلبان فاقد هویت روشن و مشخص هستند، گفت: «مشخص نیست در این جریان تصمیم نهایی را چه شخصی یا گروهی می‌گیرد. اصلاح طلبان نظرات یکدیگر را هم قبول ندارند و نمی‌توانند به یک جمع‌بندی واحد برسند. این نقیصه باعث می‌شود که نتوانند در هیچ زمینه‌ای موضع‌گیری کنند؛ آنها نه درباره دولت، نه درباره سیاست خارجی و نه حتی در موضوع افزایش قیمت بنزین هیچ موضع منسجمی نداشتند. این مشکلات که به اصولگرایان مربوط نیست و کاملاً به درون اصلاح طلبان باز می‌گردد». عبدالله مومنی دیگر فعال سیاسی اصلاح طلب نیز گفته «متأسفانه اصلاح طلبان در حال حاضر از سرمایه اجتماعی لازم برای پیروزی در انتخابات برخوردار نیستند.»

